پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستـان و بلوچستـــان
سال یازدهم، شماره‌ی بیست و یکم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ (صص: ۲۱۸-۲۰۱)

رعنا و زیبا، منظومه‌ی غنایی فراموش شده از شعله‌ی گلپایگانی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها*

چکیده

بدون شک دامنه‌دارترین و دراز آهنگ‌ترین نوع از انواع شعر فارسی، اشعار غنایی است. در ایـن میان منظومه‌های عاشقانه از برجستگی خاصی برخوردار است. چراکه این نـوع از منظومـه‌هـا، بـسط یافته‌ی اشعار غنایی است. یکی از ایـن منظومـه‌هـای غنـایی، منظومـه‌ی رعنـا و زیبـا از مـلا مهـدی گلپایگانی، متخلّص به شعله، از شاعران خوش قریحه و شیعی مذهب، قرن دوازدهم هجری است که آثاری همچون چاه وصال (لیلی و مجنون)، یوسف و زلیخا، رعنا و زیبا، پادشاه مصر و پسر آهنگـر و چند مثنوی و غزل از او باقی مانده است. متأسفانه احوال و آثار این شاعر، با سراینده‌ی دیگری با نام سید محمد طبیب متخلّص به شعله و معـروف بـه شـعله‌ی اصـفهانی، حکـیم، طبیـب و شـاعر قـرن دوازدهم هجری درآمیخته است. این پژوهش بر آن است تا به روش اسنادی، بـا مطالعـه و مطابقـه‌ی نسخه‌های خطی از این اثر و تحلیل و بررسی داستان، به معرفی مختصری از این شاعر و دیگـر آثـار باقیمانده از او بپردازد.

واژگان کلیدی: شعرغنایی، منظومه‌های‌عاشقانه، شعله‌ی‌گلپایگانی، رعنا و زیبا، نسخه‌ی خطی.

مقدمه

رواج روزافزون منظومه‌های غنایی در ادب فارسی، باعث گردید تا داستان های عاشقانه و

---

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد دهاقان Email: ayalmeha@dehaghan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۳۱

بزمی فراوانی توسط سرایندگان مختلف (چه به صورت ابتکاری و یا تقلیدی) در شکل ها و صورت های گوناگون به وجود آید.اوج سرایش این قبیل منظومه‌ها، از قرن دهم تا سیزدهم، هجری است.«قرن دهم تا سیزدهم، به لحاظ کمّی و از نظر شماره‌ی منظومه‌ها، معادل است با چهار برابر تمام منظومه‌های قرون گذشته؛ به طوری که منظومه‌سرایی در این سه قرن، به صورت یک سنت درآمد. یعنی هر شاعری، رسالت خود را با نظم یک داستان عاشقانه، پایان یافته می‌دید...در واقع در تمامی منظومه‌های این دوران، بلا استثنا همه‌ی خصوصیات داستان‌های گذشته را می‌توان یافت و زبان آن ها عموماً ساده و متمایل به زبان عامه‌ی مردم است. البته منظومه‌های این دوران، خالی از ابتکار هم نیست؛چنانکه برخی‌ازتحرک بیشتری برخوردارند.» (ذوالفقاری،۱۳۸۲:۱۰، ۹)

در تمام داستان‌های عاشقانه‌ی این دوران، علاوه بر برخی از جنبه‌های صوری و ظاهری، بن‌مایه‌ها و ویژگی‌های مشترکی را می‌توان یافت. ترکیب و بافت داستان ها، شروع حادثه‌ی عشقی، پایان عشق، موانع و گره‌های داستان، امورخارق‌العاده، شیوه‌های داستان‌پردازی، آمیختگی دوگونه‌ی بزم و رزم، آزمایش قهرمانان داستان، داستان های حاشیه‌ای و میان پیوندی و... از ویژگی‌ها و موتیوهایی‌است که در بیشتر منظومه‌های این دوران مشترک‌است. هرچنددر بسیاری از این منظومه‌ها، سراینده کوشیده است با آوردن مضامین حاشیه‌ای، سنت شکنی‌ها، ساختار گریزی‌ها، تصاویرتازه و توصیفات بدیع، به‌اثرخود تحرکی تازه و ابتکاری بدیع ببخشد. یکی‌از منظومه‌پردازان این دوران، ملا مهدی گلپایگانی، متخلّص به شعله است که در ذیل به معرفی او پرداخته می‌شود.

پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون منظومه‌های غنایی فراوانی تصحیح و به چاپ رسیده و انواع گوناگونی از این قبیل داستان ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است مانند "کارکرد عناصر فانتزی در منظومه ی غنایی همای و همایون" از کرمعلی قدمیاری و"شعله ی آه،اثری ناشناخته از غیوری دهلوی"

از نگارنده ولی‌منظومه‌ی رعنا و زیبا پیش از این در هیچ یک از آثار بررسی شده مورد تحقیق قرار نگرفته و به صورت نسخه‌ی خطی باقی مانده است.

شعله‌ی گلپایگانی کیست؟

نامش ملامهدی، متخلّص به شعله و از مردم گلپایگان است که به زادجای خود چنین اشاره می‌کند:

بـه گلـزار محبـت نغمـه خـوانم　　خـــوش الحـــان بلبـــل گلپایگـــانم

(شعله‌ی گلپایگانی، ۱۲۶۴: ۱۲)

درباره‌ی شعله گلپایگانی‌نوشته اندکه:«ترجمه‌ی‌حال‌این‌شاعر، به‌جز در کتاب ریاض‌الجنه تألیف محمد حسن زنوزی تبریزی متخلّص به فانی، که خود هم عصر شاعر بوده است، در هیچ یک از تذکره‌های موجود دیده نمی‌شود.در قسم دوم از روضه‌ی خامسه‌ی آن کتاب، ص ۸۹۴ گوید: شعله‌ی گلپایگانی؛ اسم شریفش ملامهدی، در فضل و کمال و فنون شعر سیّما مثنوی، بی‌نظیر بود.»(خیام‌پور،۱۳۳۸:۵۹) برخی از تذکره‌نویسان هم که از شاعری با نام شعله، نام آورده‌اند، احوال این شاعر را با سید محمد طبیب اصفهانی، متخلّص به شعله درآمیخته‌اند. بنا به نوشته‌ی خیام‌پور، زنوزی (مؤلف ریاض‌الجنه مذکور)با شعله‌ی اصفهانی نیز معاصر بوده و اکثر اوقات با وی صحبت داشته است و ترجمه‌ی حال شعله‌ی اصفهانی را در بخش دیگری از کتاب خود، به صورت جداگانه آورده و تصریح کرده که او در سال ۱۱۶۰وفات یافته است. (پیشین، ۶۰) بر این اساس، شعله‌ی گلپایگانی به جز شعله‌ی اصفهانی است.

شعله از شاعران شیعی مذهب قرن دوازدهم هجری است که ارادت خاصی به اهل بیت عصمت و طهارت داشته است. از جمله در آغاز مثنوی یوسف و زلیخا، به وصف حضرت علی و نعت دوازده امام می‌پردازد و در پایان آن چنین می‌گوید:

بـه جـاه عـسگری آن ســرور دیـن　　شـــه صـــاحب کـــلاه کـــشور دیـــن

بـه مهـدی، خاتـــم علـــم کرامـت مـــه محبـــوب گـــــردان امامـــــت

(شعله گلپایگانی،۱۲۶۴: ۱۲ – ۱۱)

چنان که از اشعار او بر می‌آید در کودکی نزد پدر، قرآن و مقدمات صرف و نحو را می‌آموزد و پس از کسب علوم دینی، از شهر خویش آواره می‌گردد:

بـه وقـت کـودکی از بهـر تعلـیم شـــدم در خـــدمت اســـتاد تکـــریم

بـه مکتبخانـه کـردم از دل و جـان دو سالی عمـر، صـرف درس قـرآن...

بـه صـرف و نحـو آیـات معـانی مـــرا آموخـــت رســـم نکتـــه‌دانـــی

پـس آنگـــه از بـرای علـم دینـی ز هـر خـرمن نمـودم خوشـه‌چینـی

چو دست راست از چـپ فـرق کـردم بـه غربـت مـضطرب انـداخت دردم

(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۴: ۱۵۸)

و در ابیات بعدی به سختی‌ها و رنج های خود اشاره می‌کند:

بـه هـر جـا مـدتی بـا جـان افگـار کـــشیدم از زمانـــه رنـــج بـــسیار

(همان: ۱۵۸)

شعله‌ی گلپایگانی سخن سرایی خود را مرهون عشق دانسته و می‌گوید:

اثر کرده است بر مـن صـحبت عـشق ســخنگو گــشته‌ام از دولــت عــشق

(همان: ۱۲)

آثار شعله

بنابر آنچه در فهرست دست‌نوشته‌های ایران ازمصطفی درایتی مسطور است، از شعله‌ی گلپایگانی آثار زیر باقی مانده است:

۱- پادشاه مصر و پسر آهنگر

این اثر از آثار منظوم و کوتاه شعله است که تنها دست نوشته‌ی موجود از آن، نسخه‌ای است که در کتابخانه‌ی آیت‌الله گلپایگانی قم، به شماره‌ی ۴۷۲۴/۳ باقی مانده است. این دست نوشته، بدون تاریخ و به خط تحریری کتابت گردیده است (درایتی، ۱۳۸۹: ۶۱۷/۲)

۲- چاه وصال

از این منظومه که به نام لیلی و مجنون نیز یاد شده، چهار دست نوشته باقی مانده است:

۱- نسخه‌ی خطی به شماره ۵۳۹۱ کتابخانه‌ی ملی ملک؛ نسخه‌ای است ناتمام که به خط شکسته نستعلیق کتابت گردیده و از دست نوشته‌های قرن سیزدهم هجری است.

۲- نسخه‌ی خطی با شماره‌ی۱۲۲۳/۸ کتابخانه‌ی محمد حسین مفتاح که این دست نوشته نیز از آثار قرن سیزدهم هجری است.

۳- نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی ادبیات دانشگاه تهران با شماره ۲۶۷/۳ که به خط نستعلیق و در سال ۱۳۰۹ هجری کتابت گردیده است.

۴- نسخه‌ی کتابخانه‌ی آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم با شماره۳/۱۴۹/۲-۸۸۳۰که به قلم سیدمهدی امیرجوان‌بخت، به خط نستعلیق و درسال ۱۳۳۹ کتابت گردیده‌است.(پیشین، همانجا)

شایان ذکر است این اثر در سال۱۱۷۵هجری قمری، در پنجاه و یک سالگی شاعر سروده شده و داستان دیدار لیلی و مجنون است در ته چاه که در ۲۴۴ بیت به نظم کشیده شده است. سراینده، برخی از اشعار این مثنوی را در منظومه‌ی دیگر خود، با نام یوسف و زلیخا آورده است. (منزوی، ۱۳۴۹: ۲۷۵۳)

۳- دیوان

از شعله‌ی گلپایگانی، چند مثنوی و غزل‌باقی مانده‌که نسخه‌هایی‌ازآن‌درکتابخانه‌ی مجلس شورای‌اسلامی به شماره ۱۳۶۹۹/۲ و کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره ۴۹۱۸/۱ موجود است.

۴- یوسف و زلیخا

شعله‌ی گلپایگانی، این منظومه را پس از چندی لب فرو بستن، به اشاره‌ی دوستان در پنجاه سالگی و در طول چهل روز، به نظم کشیده است. چنانکه خود گوید:

به پایان بردن این منزل از راه چو طی شد، طی شده از عمر پنجاه

به نظم آوردمش از طبع فیروز ز اوّل تا به آخر در چهل روز

(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۴: ۱۵۹)

و تعداد ابیات این مثنوی، چنانکه خود تصریح می‌کند ۴۴۴۴ بیت است:

ز پیر معنوی در خلوت دل مرا یک جمله گشت این بیت حاصل

گرفتم چون عدد از نظم اشعار چهل صد با چهل ده، هم چل چار

(همان: ۱۵۹)

این اثر بنا بر تصریح شاعردر سال ۱۱۷۵ هجری سروده شده است [خم فتنه = ۱۱۷۵].

قلم در راه فکرت پیچ و خم زد خم فتنه به تاریخش رقم زد

(همان: ۱۵۹)

ابن یوسف شیرازی می‌نویسد: «در پشت برگ نخستین نوشته شده، ناظم گلپایگانی است. در اثر این یادداشت تصور شده که ناظم وصفی، ناظم علمی است و بدین سبب در دفاتر و بر خود نسخه، به نام یوسف و زلیخای ناظم ثبت گردیده است.»(ابن یوسف شیرازی، ۱۳۱۸: ۷۰۳) خیام‌پور در این باره می‌نویسد:«ظاهراً منشأ اشتباه مرحوم محمدعلی تربیت نیز که در ص ۱۷۵ از دانشمندان آذربایجان، در جزو اسامی آنان که داستان یوسف و زلیخا را به نظم در آورده‌اند، از ناظم گلپایگانی هم نام برده است، همان است؛ وگرنه اصلاً شاعری به نام ناظم گلپایگانی وجود ندارد.» (خیام‌پور، ۱۳۳۸: ۶۰)

بر این اساس یوسف و زلیخا، قطعاً از آثار شعله‌ی گلپایگانی است نه از شعله‌ی اصفهانی که در سال ۱۱۶۰هجری وفات نموده است. از یوسف و زلیخا نسخه‌هایی در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی (با شماره‌ی ۱۲۰۴ و ۱۳۶۷۳ و ۱۳۴۶۳/۵)، کتابخانه‌ی ابراهیم دهگان در اراک (به شماره‌ی ۴ و ۳۸)، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی قم(به شماره ۶۳۶۸)، کتابخانه‌ی ملی تبریز (شماره‌ی ۲۹۷۲)وکتابخانه‌ی آیت‌الله گلپایگانی قم(۴۷۲۴/۴–۲۴/۲۴)باقی مانده است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۵۵/۱۰) منزوی نیز از نسخه‌ای از این اثر،درکتابخانه‌ی دکتر قاسم‌زاده با تاریخ کتابت ۱۲۶۵ هجری یاد کرده است.(منزوی،۱۳۴۹: ۳۳۴۲)

گفتنی است ابراهیم دهگان مثنوی دیگری از این شاعر در اختیار داشته به نام«مکرزن» که اکنون این اثردر جمع نسخه‌های کتابخانه‌ی ایشان نیست.(حضرتی، ۱۳۸۹:۳۰۵)

همچنین در ریاض‌الجنه زنوزی، از اثری با نام مثنوی شاه و درویش از شعله گلپایگانی یاد شده است که اکنون دست نوشته‌ای از این مثنوی موجود نیست.(زنوزی به نقل از خیام‌پور، ۱۳۳۸: ۵۹)

۵- رعنا و زیبا

مثنوی رعنا و زیبا، منظومه‌ای است عاشقانه با بحور مختلفه که شاعر آن را در بیان عشق کامیاب رعنا و زیبا، به نام میرزا عبدالصمد مستوفی مشک آبادی (از مردمان متعین مشک آباد فراهان اراک) به رشته‌ی نظم در آورده است. چنانکه گوید:

ز لطف میرزا عبدالصمد بود — که بر من این در اقبال بگشود
زهی مستوفی دیوان رفعت — بنای پایه‌ی ایوان رفعت
نجابت خانه زادِ خاندانش — شرافت شمع بزم دودمانش

(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۰: ۲– ۱)

سراینده در دیباچه‌ی منظومه، از اثر خود با نام زبورالعاشقین یاد می‌کند و می‌گوید:

بیـــا مطـــرب از آن داوودی الحـــان زبـــور العاشـــقین شـــعله برخـــوان
(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۰: ۲)

و در سبب نظم کتاب گوید:

به من گفت آن ز معنـی گـشته آگـاه کـــه ای خاکـــستر شـــمع ســـحرگاه
تو گفتـی شـعله‌ی اخگـر بـه جـانم ســـــمندر زاده‌ی آتـــــش زبـــــانم
بـــسی درّ ســـخن ز اندیـــشه ســـفتی ز عشقت هرچه هر کس گفـت، گفتـی
کنـــون بـــالای رعنـــایی نـــشان کـــن حـــدیث حـــسن زیبـــایی بیـــان کـــن
بکـــن زهگیـــر در شـــست روایـــت خـــدنگی بـــرکش از قـــوس حکایـــت
بکش با زور گفتار ای سـخن کـوش کمـــان گفتگـــو را گـــوش تـــا گـــوش
(همان: ۲)

و سراینده پس از درج رباعی زیر در اثنای سخن، به سرایش این منظومه در بیش از ۲۰۰۰ بیت می‌پردازد:

زنـــدانی کـــنج بـــی‌کـــسی بـــودم دوش کآمد بـه وثـاق طـبعم آن آفـت هـوش
چنگ طربش به چنگ و با جوش وخروش از تار حکایتم زد این نغمـه بـه گـوش
(همان: ۳)

نگاهی به نسخه‌های خطی رعنا و زیب

۱- نسخه‌ی خطی ۱۳۶۹۹/۱ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی که به خط نستعلیق و در سال ۱۲۰۰ هجری کتابت گردیده است.

۲- نسخه‌ی کتابخانه محمد حسین مفتاح با شماره‌ی ۷۸۹/۲ که از نسخه‌های قرن سیزدهم هجری است که به خط نستعلیق کتابت شده است.

۳- نسخه‌ی شماره‌ی ۲۹۳۶[با شماره‌ی اموال جدید ۴۰۶]کتابخانه‌ی ملی تبریز که بدون تاریخ و با خط نستعلیق کتابت شده و آغاز و انجام آن افتاده است.

۴- نسخه‌ی شماره‌ی ۲۲۰کتابخانه‌ی تربیت که اکنون با شماره‌ی اموال ۲۵۲۱در کتابخانه‌ی ملی تبریز نگهداری‌می‌شود. این نسخه مشتمل بر حدود ۲۰۰۰ بیت (بدون تاریخ) است و در آخر آن، حکایت بهرام و گلندام به نثر، کتابت گردیده است.

۵- نسخه‌ی کتابخانه ابراهیم دهگان با شماره‌ی ۲۲۵ که با خط نستعلیق، بدون تاریخ کتابت، نوشته شده است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۸۷۷/۵ و نیر حضرتی، ۱۳۸۷: ۳۰۴/۲)

نسخه‌های تازه یافته

نگارنده علاوه بر نسخه‌های کتابخانه‌ی مجلس، تبریز، تربیت و ابراهیم دهگان، به دو نسخه از مثنوی رعنا و زیبا دست یافت که در فهرست نسخه‌های خطی نامی از آن نیست.

۱- نسخه‌ی شماره‌ی ۱۳۸۴ کتابخانه‌ی ملی تبریز؛ این نسخه به خط محمد اسماعیل بن محمد طاهر آشتیانی قمی، بنابر خواهش میرزا محمد در تاریخ ۱۲۶۰هجری قمری کتابت شده و از کاملترین نسخه‌های موجود از این اثر است.

۲- نسخه‌ی شماره‌ی ۱۸۰۵۴ – ۵ کتابخانه‌ی ملی ایران؛ این دست نوشته، مجموعه‌ای است که بخش دوم آن را رعنا و زیبا تشکیل می‌دهد. نسخه‌ی مذکور به خط نستعلیق مایل به شکسته‌ی متوسط است و در سال ۱۲۳۰ هجری (فقط پنجاه و پنج سال پس از تألیف اثر) کتابت گردیده و از نسخه‌های کامل و کم غلط این اثر است.

آغاز منظومه:

خداوندا به رعنا قامتانت　　به شوخی‌های زیبا گلرخانت

به ریحان خط خورشیدرویان　　به چتر کاکل زنجیرمویان

(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۰: ۱)

انجام:

هنـــوز از ذوق آن مـــی بیقرارنـــد ز مـــستی تـــا قیامـــت در خمارنـــد
تو هم خواهی چشیدن شعله زآن می کنـد ایـن نـشئه راه هـستی‌ات طـی
(شعله گلپایگانی، ۱۲۶۰:۱۶۰)

گزارش داستان

در سرزمین ختن پادشاهی بود عادل و نیکوکار با نام ریحان؛ پس از سال ها پادشاهی و دادخواهی، ریحان در چنگال مرگ اسیر آمد و تنها پسری از او به یادگار ماند که رعنا نام داشت. از آنجا که رعنا جوانی نابالغ بود، بزرگان مملکت بر آن شدند تا صنوبر، عموی او را، موقتاً بر تخت پادشاهی بنشانند. لذت مملکت‌داری آن چنان به مذاق صنوبر خوش آمد که سلطنت عاریتی را فراموش نمود. از طرفی رعنا که اینک جوانی بالغ و رشید و آماده‌ی تخت گردیده، با فرستادن پیام هایی به عموی خویش، خواهان سلطنت بود ولیکن صنوبر از شنیدن آن پیام ها امتناع می‌نمود و می‌گفت:

کـای پـسر نیـست پادشـاهی سـهل تـو چـرا پـا نهـاده‌ای در جهـل
(شعله‌گلپایگانی، بی‌تا [ش ۲۲۵]:۲۰)

رعنا با شنیدن این سخنان، برای آنکه مبادا از جانب عمو، گزندی بدو رسد، از تاج و تخت صرف نظر کرد. صنوبر دختری داشت زیبا نام که با وقار و زیبا بود. روزی زیبا، پیامی محبت‌آمیز به رعنا می‌فرستد و از او می‌خواهد تا برای خواستگاری او قدم بردارد. رعنا پس از شنیدن پیغام زیبا، به بارگاه عمو رفته و زیبا را خواستگاری می‌نماید. زیبا مقدار فراوانی زر برای رعنا می‌فرستد تا مقدمات عروسی را فراهم آورد. در همین حال، حاکمی از خطه‌ی چین، برای خواستگاری زیبا، رسولی به سوی صنوبر روانه می‌کند. صنوبر با کمال میل از این پیشنهاد استقبال می‌نماید و خبر این موضوع به رعنا و زیبا می‌رسد. زیبا قسم یاد می‌کند که

جز رعنا، به کسی دیگر نیندیشد واز هر تدبیری برای حل این مشکل، کمک بگیرد. او تصمیم می‌گیرد تا لباس خود را بر تن کنیزی پوشانیده و او را همچون خود بیاراید و با فریب پادشاه چین، خود با رعنا بگریزد. بدین ترتیب زیبا و رعنا، به سوی دریا روانه شده و سوار بر زورقی می‌گریزند. ناگهان دریا طوفانی شده و موجی سهمگین آنها را فرا می‌گیرد. با نزدیک شدن کشتی‌ای از دور، ملاح با دیدن زیبا، دل در گرو زیبا بسته و تدبیری می‌اندیشد تا زیبا را به تنهایی نجات دهد و از او کام جوید. ملاح، زیبا را سوار کشتی نموده و راز دل خود را با زیبا در میان می‌گذارد. سرانجام پس از چند شبانه روززیبا با حیله و تدبیر، از دست ملاح گریخته و به ساحل می‌رسد. او با فرود آمدن در جزیره، با مردی دیو صورت مواجه می‌شود که نظر هوسبازانه‌ای بدو دارد و یکی از چهل طرار آن جزیره است. در این جا نیز زیبا، با دسیسه‌ها و حیله‌هایی دلفریب، جان سالم به در می‌برد و با نجات دادن جوانی با نام صفدر، که در دست طرّاران گرفتار آمده، به اتفاق هم پا به فرار می‌گذارند. زیبا انگشتری خویش را به صفدر می‌دهد تا در مسیر سفر هرگاه رعنا را یافت، بدو عرضه دارد. ماجرای برخورد زیبا در مسیر راه با مردی قوی هیکل و سوء نیت او به زیبا، و سرانجام کشته شدن او به واسطه‌ی زیبا، در این قسمت از داستان پیش می‌آید و داستان را از بزم به رزم می‌کشاند. او در حالی روانه‌ی ملک چین می‌شود که:

ولی پوشیده بـر تـن رخـت مـردان سلح پوش و سـوار و اسـب جـولان

(شعله گلپایگانی، بی‌تا: ۱۸۲)

زیبا به محض ورود به خطه‌ی چین، با پیرزنی مواجه می‌گردد و از او می‌خواهد تا جای استراحتی به او بدهد و میهمان آن پیرزن گردد. آن سوی داستان، ماجرای نجات رعنا از دریا، پس ازبیقراری‌هاوچشم‌انتظاری‌ها، به‌پیش می‌آید. در دربارختن اما، اتفاق مهمی روی می‌دهد و صنوبر، در بیماری جان می‌سپارد. بزرگان شهر، به جستجوی رعنا می‌پردازند و او را بر تخت پادشاهی باز می‌گردانند. رعنا پس از مدتی پادشاهی، از شدت بیقراری، وزیر خود را به

تخت می‌نشاند و در کسوت تجارت، در جستجوی زیبا، روانه‌ی سفر دریا می‌گردد. پس از چهل شبانه روز، رعنا با صفدر روبرو می‌گردد و:

بدیـــد انگـــشتر زیبـــا نگـــارش فغـــان برداشـــت جـــان بیقـــرارش

(شعله گلپایگانی، بی‌تا: ۸۴)

سرانجام پس از آن که رعنا در جزیره، طراران را یک به یک به بند می‌کشد، به همراه صفدر درسرزمین چین، در کوی و برزن به دنبال زیبا می‌گردد تا آن که او را درخانه‌ی پیرزن می‌یابد. بدین ترتیب رعنا و زیبا به همراه صفدر، به سوی ختن می‌تازند.

با آمدن شاه جوان، خون تازه‌ای در رگ‌های عدالت جاری شده و به یمن این وصال، مملکت آباد می‌گردد و شادی در سراسر ملک چین طنین‌انداز می‌شود. منظومه با داستان غم انگیز مرگ رعنا و زیبا به انجام می‌رسد.

بررسی و تحلیل

۱- در بررسی ساختاری و شکل صوری اثر، نخستین نکته‌ای که ذهن خواننده را متوجه خود می‌سازد، وزن وبحراثر است. اساس داستان عاشقانه‌ی‌رعنا و زیبا، در قالب مثنوی سروده شده ولیکن دراثنای ابیات، به مناسبت و اقتضای مطلب، غزل و رباعی گنجانده شده است. وزن مثنوی نیز یکدست نیست. شاعر در برخی از بخش‌ها، بحور مختلف عروضی (هزج مسدس محذوف، هزج‌مسدس اخرب‌مقبوض، خفیف مسدس مخبون محذوف ورمل مسدس محذوف و...) را به شیوه‌ای زیبا به کار برده که این شیوه، موقعیت و امتیاز خاصی به این اثر بخشیده است.

۲- این داستان به شیوه‌ی داستان های سنتی، داستان درداستان است. درمیان داستان رعنا و زیبا، حکایات گوناگونی‌همچون حکایت زن قاضی، محتسب و شحنه و... پیش می‌آید.

۳- در این داستان، عشق دو سویه و مساوی است؛ به همان اندازه که عاشق، درد هجران و فراق را تحمل می‌کند، معشوق نیز تا پای جان می‌ایستد و حاضر نیست عشق کسی دیگر جز رعنا را در خاطر بپرورد.

۴- سراینده در انتخاب نام عشاق و نیز شخصیت‌های داستان، ذوق خاصی به خرج داده و علاوه بر رعایت تناسب و آهنگ، به مفهوم و معنای اسامی نیز توجه داشته است. (انتخاب رعنا و زیبا؛ نام پدر عاشق ریحان است و نام پدر معشوق صنوبر).

۵- عشاق از لحاظ طبقه‌ی اجتماعی(نظیر بسیاری از داستان های‌عامیانه و عاشقانه) هم سطح و هر دو از شاهزادگانند. عاشق و معشوق، عموزاده‌هایی‌اند که هر دو بزرگ‌زاده و از خاندان شاهی هستند.

۶- فرجام منظومه، مطابق دیگر منظومه‌های عاشقانه‌ی عامیانه، وصال و شادی است. رعنا و زیبا سرانجام، پس از سختی‌ها و گرفتاری‌ها، به وصال هم نایل می‌آیند.

۷- در این داستان، رعنا همچون دیگر عشاق، رقیب عشقی دارد. یکی‌از حاکمان خطه‌ی ختن، خواستگار زیباست و پدر زیبا نیز موافق این وصال؛ از طرفی‌ملاح، جان زیبا را نجات می‌دهد و دل به او می‌بندد. در جزیره نیز، مردی دیو چهره، نظری هوسبازانه به زیبا دارد.

۸- تصویرگری‌های شاعرانه، صحنه‌آرایی‌ها و صور خیال، در بخش‌هایی از این اثر بدیع و بکر است.

۹- غزل هایی‌که از زبان‌عشاق درلابه لای‌منظومه وجود دارد، یادآور منظومه‌های دیگری همچون جمشید و خورشید، خورشید و مه پاره‌و نمونه‌های متقدم‌تری همچون ورقه و گلشاه است. (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۲۳۸)

۱۰-اتفاقات داستان، بی‌شباهت به ماجراهای هزار و یک شب نیست. زیبا، در ساحل به چهل دزد برخورد می‌کند و با حیله و تدبیر از دست آنان نجات می‌یابد و آن گاه به چشمه‌ای می‌رسد!

۱۱-یکی از ویژگی‌های مهم زبان شعله، ترکیب‌سازی‌های شعله با مفاهیم علوم است. او به استفاده از مفاهیم علمی در شعر توجه خاصی داشته و در شعاع وسیعی، با مفاهیم علوم گوناگون، به خلق ترکیبات، تشبیهات و تصاویر مختلف پرداخته است. ترکیبات و تعبیراتی چون نرد نیرنگ، نقش دو شش، تصورّات ثلاث، کارگاه فکر، نسبتِ بین، شست روایت، کیش حکایت، چارتار رباعی، ابرش مدعا، شمشاد قبول، استبرق مژده و...که در جای جای این اثر به وفور دیده می‌شود.

نتیجه

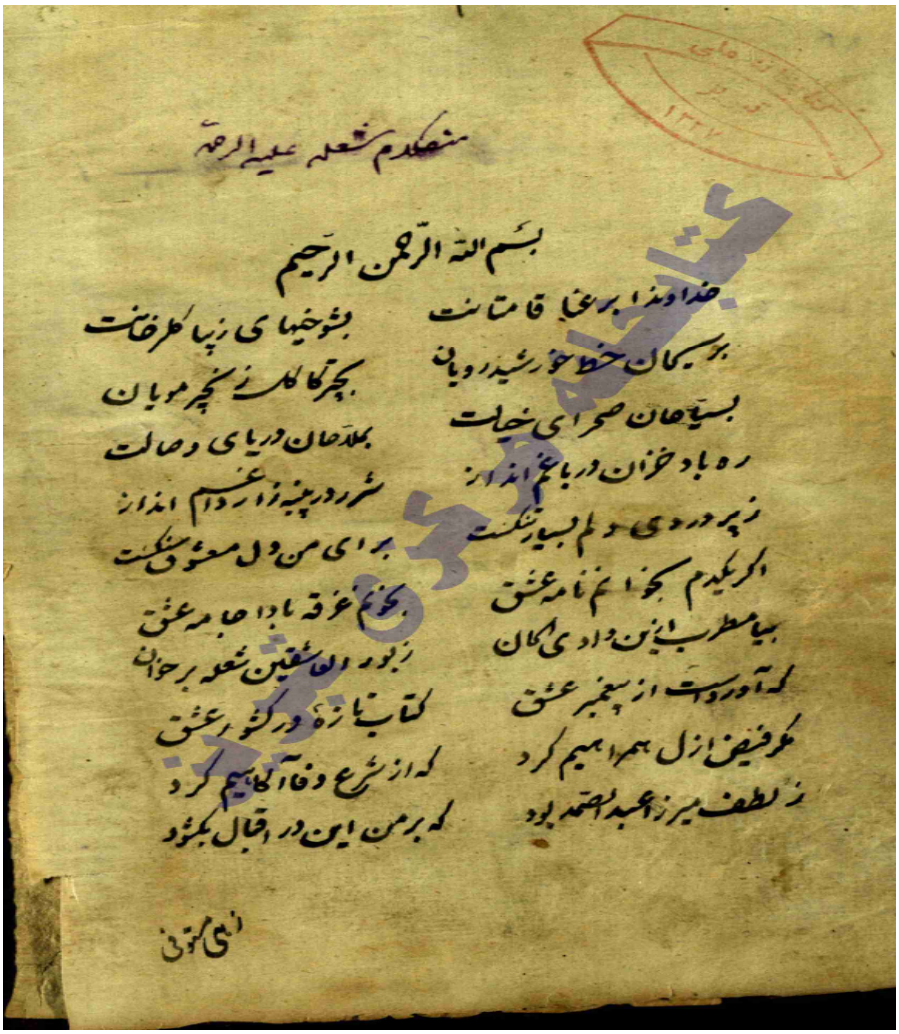
از مجموع آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱- از گنجینه‌ی ارزنده وگسترده اشعار داستانی و روایی، تنها بخش اندکی معرفی، تصحیح و چاپ شده است وهنوز تعداد فراوانی ازاین قبیل آثار، به‌صورت دست‌نوشته‌ها و نسخه‌های خطی در بوته‌ی فراموشی است.

۲- اساس منظومه‌های روایی و عاشقانه را توصیفات تشکیل می‌دهد. این توصیفات، موجب ارزش‌گذاری هر اثر است و سراینده درخلال این وصف هاست که باید هنر خود را نمایان سازد. در منظومه‌ی غنایی رعنا و زیبا، بخش‌های توصیفی و وصف های زیبا و دلفریبی وجود دارد که سراینده را به عنوان شاعری موفق معرفی می‌نماید.

۳- فصاحت و روانی خاصی در کلام شعله‌ی گلپایگانی مشاهده می‌شود. در سرتاسر این اثر، کلمات مهجور، ثقیل و نامأنوس چندان فراوان نیست. ازطرفی، سراینده متناسب با موضوع و حال و هوای شعر، به ترکیب‌سازی‌های شعری، توجه ویژه‌ای دارد و با آوردن صفت ها و مضاف‌الیه‌های متوالی، هم قدرت ترکیب‌سازی خود را نشان می‌دهد و هم به جنبه‌ی صور خیال شعری خود می‌افزاید.

۴- شیوه‌ی داستان در داستان، انتخاب وزن و بحرهای گوناگون، ابداع در تصویرگری‌ها، سه ویژگی اصلی منظومه است که به ویژه انتخاب اوزان مختلف دراثنای اثر، این منظومه را از دیگر آثار، متمایز ساخته است.


منظم شعله علیه الرحمه

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوندا بر عنا قامت
بشوخیهای زیبا کرخانت

بر یکان خط خور شید رویان
بچرکا کلک زنگر مویان

بسیجان صحرای خیلت
بلاجان دریای وصالت

ره باد خزان در باغ انداز
شرر در پنبه زار دام انداز

ز پر دردی دلم بسیار تنگست
برای من دل معشوق تنگست

اگر یکدم بخوانم نامه عشق
بخونم غرقه بادا جامه عشق

بیا مطرب باین داد ی کان
زبور العاشقین شعله بر خوان

که آورده است از پیغمبر عشق
کتاب تازه در کشور عشق

کو فیض ازل همراهیم کرد
که از شرع وفا آگاهیم کرد

ز لطف میرزا عبد الصمد بود
که بر من این در اقبال بگشود

انی مکتوبی

صفحه نخستین از نسخه خطی شماره ۱۳۸۴

منابع

۱- ابن یوسف شیرازی، ضیاءالدین حدائق، **فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی**، تهران: چاپخانه‌ی مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸.

۲- حضرتی، صادق، **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ابراهیم دهگان**، قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷.

۳- خیام‌پور، عبدالرسول، **یوسف و زلیخا**، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز، سال یازدهم، شماره‌ی بهار، ۱۳۳۸.

۴- درایتی، مصطفی، **فهرستواره‌ی دست‌نوشته‌های ایران (دنا)**، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی, ۱۳۸۹.

۵- ذوالفقاری، حسن، **منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی**، تهران: انتشارات نیما، ۱۳۸۲.

۶- شعله‌ی گلپایگانی، مهدی؛ **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی ۱۳۶۹۹، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۲۰۰.

۷- ــــــــــــــــ ، **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی۱۳۸۴، تبریز: کتابخانه‌ی ملی, ۱۲۶۰.

۸- ــــــــــــــــ ، **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی ۱۸۰۵۴- ۵، تهران: کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران, ۱۲۳۰.

۹- ــــــــــــــــ ،**یوسف و زلیخا**، نسخه‌ی خطی ۱۳۶۷۳، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی, ۱۲۶۴.

۱۰- ــــــــــــــــ ، **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی ۲۹۳۶، تبریز: کتابخانه‌ی ملی, بی‌تا.

۱۱- ــــــــــــــــ، **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی ۲۲۰، کتابخانه‌ی دولتی تربیت، تبریز: کتابخانه‌ی ملی، بی‌تا.

۱۲- ــــــــــــــــ، **رعنا و زیبا**، نسخه‌ی خطی۲۲۵، اراک: کتابخانه‌ی ابراهیم‌دهگان, بی‌تا.

۱۳- منزوی، احمد، **فهرست نسخه‌های خطی فارسی**، تهران:مؤسسه فرهنگی- منطقه‌ای, ۱۳۴۹.

۱۴- یلمه ها، احمدرضا،"شعله ی آه، اثری ناشناخته ازغیوری دهلوی" فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، ش سیزدهم، زاهدان:دانشگاه سیستان و بلوچستان صص۱۵۴-۱۴۱ ،۱۳۹۱

Sources

1- Derayati, Mostafa. **Fehrestwareh Dasneveshteha-ye- Iran (DENA)**. Tehran: Library, Museum and Document Center of Islamic Consultative Assembly, 2010.

2- Ebne Yousef Shirazi. **Ziaeddin Hadaegh, Fehrest Ketabkhaneiee Majles Shora-ye- Eslami**. Tehran: printing press of Islamic Consultative Assembly, 1939.

3- Hazrati Sadegh. **Fehrest Noskheha-ye- khatti ketabkhaneiee Ebrahim Dahegann**. Qom: Majmah Zakhayere Islami, 2008.

4- Khyampour, Abdol Rasoul. **Yousef va Zoleikha**. Journal of Tabriz Faculty of Literature, Eleventh Year, spring issue, 1959.

5- Monzavi, Ahmad. **Fehrest Noskheha-ye- khatti Farsi** . Tehran: Cultura- regional institutions, 1970.

6- Sholeh Golpayegani, M.**Raana va Ziba**. Noskhehaye khatti, 13,699, Tehran: Library of Islamic Consultative Assembly, 1821.

7- ————. **Raana va Ziba**, Noskhe-ye- khatti .in 1384, Tabriz National Library, 1851.

8-————. **Raana va Ziba**. Noskheye khatti, 18054-5, Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran, 1851.

9- ————. **Yousef, va Zoleikha**. 13,673, Noskhe-ye- khatti Tehran: Library of Islamic Consultative Assembly, 1885.

10- ————. **Raana va Ziba**. Noskheye khatti in 2936, Tabriz National Library, no date.

11- ————.**Raana va Ziba**. Noskhe-ye- khatti 220, state library of Tarbiyat, Tabriz National Library, no date.

12- ————. **Raana va Ziba**. Noskhe-ye- khatti 225, Arak: Ibrahim Dehegan library, no date.

13-Yalameha, Ahmad Reza.**Sho'le-ye Ah, asarei nashenakhteh az Ghayouri Dehlavi.** Journal of Subcontinent researches,University of Sistan & Baluchestan vol.4 , No. 13. pp. 141-154, 2012.

14- Zolfaghari, Hassan. **Manzomeha-ye- Asheghneh Adab Farsi**. Tehran: Nima, 2003.